

نقش مشهورات در تعیین مَدَن با تکیه بر آراء فارابی و ابن سینا^۱

زینب برخوردار^۲

سیده ملیحه پور صالح^۳

چکیده

مسئله پژوهش حاضر، چگونگی نقش مشهورات در تعیین مدن از دیدگاه فارابی و ابن سینا است. تأمل در باب مدن در آثار فارابی، نقش غایات ریاسات در تعیین سیاستها و نقش مشهورات مدن در جهت وصول به غایات آنها را نشان می‌دهد. از تأمل در مباحث مربوط به مدن در آثار شیخ‌الرئیس، به ویژه مدینه قلت او، می‌توان نیازهای مدینه را یکی از عوامل شکل‌گیری اهداف اجتماعات دانست؛ در راستای وصول به این اهداف برخی از مشهورات وضع می‌شوند و برخی تغییر می‌یابند. به همین دلیل مشهورات هر جامعه، آئینه نیازهای جامعه و اهداف زعماء به حساب می‌آیند. دامنه مشهورات از حیث کارکرد، متخیلات و اقناعیات را در برمی‌گیرد و هر سه مورد، از روش‌های انتقال مفاهیم حقایق کلی به شمار می‌روند. تأمل در دو مبحث جوامع و مشهورات نزد ابن دو فیلسوف، نشان می‌دهد مشهورات از عوامل تأثیرگذار در وصول مدینه به اهداف خود و در نتیجه در تعیین جوامع هستند. مقایسه میان مباحث مدن در آثار دو فیلسوف یادشده، نشان‌دهنده آن است که سیر ترتب مدن نزد فارابی طی سه مرحله و بر اساس نظریه انسان‌شناسی او است و ابن سینا در بیان مدن نظر به سیاست زمان خود داشته و با رویکرد انتقادی به بحث پرداخته است.

واژگان کلیدی

فارابی، ابن سینا، غایات مدن، مشهورات، تعیین مدن

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۱۵؛ تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۲/۱۹

۲- استادیار گروه فلسفه دانشگاه تهران

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه الزهراء(س)

طرح مسأله

از مطالعه در آثار فراوان فارابی در حوزه فلسفه سیاسی، می‌توان دریافت در میان همه فیلسوفان مسلمان بیش از همه وی به مسائل سیاسی و کشورداری (حکمت عملی) و به خصوص مبحث مدن و نبوت و ولایت پرداخته است. او به احتمال قوی نخستین کسی است که در تاریخ تفکر اسلامی، به تألیف آثار مستقلی در فلسفه سیاسی دست زده و اصول آن را تکوین کرده (داوری، ۱۳۴۶، ص ۶۵) و در آثار خود هنر سیاست و کشورداری را با شناخت هستی پیوند زده است (دانش پژوه، ۱۳۶۷، ص ۱۵۵). فارابی هدف مدینه را در وجه تسمیه مدینه تأثیر گذار می‌داند (فارابی، ۱۹۹۶ الف، ص ۸۱؛ ۱۹۹۶ ب، ص ۹۹).

ابن سینا در مقایسه با فارابی کمتر به حوزه علم مدنی و فلسفه سیاسی و اجتماعات پرداخته است؛ گویا وی در سیر علمی خود مباحث حکمت نظری را بر امور مدنی و حکمت عملی مقدم داشته است. پژوهش حاضر سعی کرده است به مقایسه اقسام مدن و تأثیر مشهورات در آن‌ها میان بزرگ‌ترین وارثان حکمت مشاء بپردازد. پرداختن به بحث مدن و عوامل تأثیرگذار در آن‌ها به خصوص مشهورات از ضروریات مباحث حوزه اجتماعیات و فرهنگ و از عوامل صعود و نزول جوامع محسوب می‌شود.

پژوهش حاضر در صدد است به تحلیل مشهورات و چگونگی تأثیر آن‌ها در مدن بپردازد. به نظر می‌رسد طرح چپستی مشهورات از منظر فارابی و ابن سینا به لحاظ منطقی بر سایر مباحث مقدم است و در پی آن می‌توان فرایند اثرگذاری مشهورات در تشخیص جوامع را مورد بررسی قرار داد. مطالعه در تطور مشهورات جوامع و بررسی آثار و پیامدهای آن، به ذهن در واکاوی زوایای پنهان علل تغییر و تحولات جوامع و اهداف رهبران یاری می‌رساند و تجارب ارزشمندی را در تصمیم‌گیری‌ها و پیش‌بینی آینده جوامع به دست می‌دهد. به این منظور پژوهش حاضر به گزارش و بررسی انواع مدینه‌ها نزد فارابی و ابن سینا پرداخته است. در این راستا به دلیل گستره شمول مشهورات و نزدیکی آن‌ها با متخیلات و اقتناعیات از حیث کارکرد در جوامع بررسی حاضر ابتدا به مقایسه آن‌ها می‌پردازد و سپس مصادیق تغییر احوالات جوامع و مقایسه مدن نزد فارابی و ابن سینا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تحلیل جایگاه مشهورات در نظام فکری فارابی و ابن سینا

مشهورات آرائی هستند که به علت شهرت میان عموم رواج یافته‌اند (ذایعه) و عامل برانگیزاننده و محرک انسان (مؤثره) در جهت انجام فعل به شمار می‌روند. این آراء میان همه مردم یا اکثر آن‌ها و

حتی میان علماء و عاقلان جامعه در صورتی که مخالفتی از سوی مردم یا عالمان یا عاقلان و یا حتی یکی از آن‌ها بر این آراء مشترک وجود نداشته باشد جاری می‌شوند (فارابی، ۱۴۰۸ هـ ج ۱، ص ۱۹ و ص ۱۰۵)؛ به عبارتی شرط مشهوره شدن آرائی میان مردم یا عالمان و عاقلان آن‌ها، صحه گذاشتن تمام افراد بر این آراست. فارابی با نسبت دادن ویژگی محرک و برانگیزاننده بودن به مشهورات، به کارکرد مشهورات که می‌تواند از مبادی انجام فعل از سوی افراد باشد اشاره می‌کند و این آراء را از جنس رأی ظنی حسن برمی‌شمرد (همان، ج ۲، ص ۳۹۲). فارابی در آثار خود به قسم اخلاقی مشهورات که در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها مورد پذیرش عموم هستند اشاره می‌کند؛ مانند حسن بودن نیکی به والدین، قباحیت خیانت، زیبایی عدالت (همو، ۱۴۱۳ هـ ص ۲۵۴). ابن‌سینا نیز در اکثر آثار خود از جمله در اشارات از مشهورات با عنوان «رأی» یاد می‌کند (ابن‌سینا، ۱۳۸۳ هـ الف، ج ۱، ص ۲۲۰). آرائی که شدت رسوخ آن‌ها در نفوس به حدی است که مانند ضروریات پنداشته می‌شوند و انسان بدون تأمل در ابتدای امر، به این سنخ از مسایل پاسخگو می‌باشد (همو، شماره دست‌نویس ۴۸۲۹، ص ۱۰۰ و ۱۰۲؛ همو، ۱۳۸۸ هـ ب، ص ۴۳). ابن‌سینا از جمله ویژگی‌های آراء مشهوره را تعلق آن‌ها به حوزه عمل افراد و رسوخ در اذهان می‌داند و مشهورات و صنعت جدل را که بر اساس مشهورات و مسلمات است معتبر می‌داند (همو، ۱۴۰۴ هـ الف، ج ۲، ص ۲۷؛ همو، ۱۳۳۶، ص ۵۸؛ همو، ۱۴۰۴ هـ ب، ج ۲، ص ۴). به این ترتیب هر دو فیلسوف قائل به ظنی بودن آراء مشهوره و تعلق این آراء به مقام عمل هستند و در نهایت مرحله کمالی این آراء در دامان اجتماع ظهور می‌کند.

ابن‌سینا علل شکل‌گیری مشهورات را اموری مانند مصالح عمومی، سنن و خلیقات انسانی و اقتضائات خلقی مانند حیاء و رحمت می‌داند (همو، ۱۴۰۴ هـ الف، ج ۲، ص ۱۸۳؛ همو، ۱۳۸۳ هـ الف، ج ۱، ص ۲۲۰؛ همو، ۱۴۰۴ هـ ب، ج ۴، ص ۳۹؛ همو، شماره دست‌نویس ۴۸۲۹، ص ۱۰۲؛ همو، ۱۴۰۰ هـ ص ۱۱۹؛ همو، ۱۹۵۰، ص ۳۳ و ۴۰-۳۹؛ همو، شماره دست‌نویس ۴۷۵۵/۳، ص ۳۶ و ۵۵). این آراء در هر سرزمینی با وجود جنبه‌ها و بسترهای مختلف شکل گرفته و نقش خود را در جهت نیل به مقصود ایفا می‌کنند. مشهورات هر اجتماعی می‌توانند نشان‌دهنده علل خود (فرهنگ جامعه، مذهب، خلیقات جمهور و اقتضائات مصلحت عامه) باشند؛ از این حیث می‌توان با مطالعه تاریخی آراء مشهوره و عوامل پیدایش آن‌ها در جوامع و کسب تجارب از آن‌ها (از جمله ارتباط میان مشهورات جوامع و واضعان و اهداف آن‌ها) قابلیت پیش‌بینی حوادث آینده جوامع و قدرت أخذ بهترین تصمیم‌ها به حسب شرایط مختلف را به دست آورد. مشهورات در قالب تصدیقات مأنوس و قابل‌پذیرش، میان مردم رواج می‌یابند و با ویژگی‌هایی چون سهولت فهم (در مقام تصور و تصدیق)، جذب جان‌ها (همو، ۱۴۰۴ هـ ب، ج ۴، ص ۳۸-۴۰) و گستره وسیع کاربرد، با متخیلات و اقتضائات تشابهاتی دارند؛ لذا مقایسه آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

مقایسه مشهورات با متخیلات و اقناعیات

با مطالعه آثار فارابی و ابن سینا به نظر می‌رسد سعادت، مطلوب نهایی تمام انسان‌ها است (فارابی، ۱۴۰۵، ص ۴۷؛ همو، ۱۴۱۳ هـ ص ۱۳۹، ۱۷۰، ۲۲۷؛ ابن سینا، ۱۳۲۶، ص ۱۵۲) و خلق انسان، مشارکت با اجتماع و نیاز به زعیم مدینه، به منزله مقدماتی هستند که انسان را به سعادت حقیقی رهنمون می‌کنند (همو، ۱۴۰۴ هـ ج، ص ۴۴۱؛ همو، ۱۴۰۵، ص ۷). از این رو شناخت حقایق معقول در کنار سایر معارف جهت نیل به مطلوب حقیقی برای جمیع اهل مدینه فاضله شایسته خواهد بود. شناخت حقایق معقول نیز در قالب مثال و محاکات^۱ برای اکثریت مردم میسر است (فارابی، ۱۹۹۵، ص ۱۴۳-۱۴۲)؛ بنابراین شناخت راه‌های انتقال مفاهیم و معقولات ضروری خواهد بود.

از آنجا که طبع و عادات عموم با ادراک کلیات و حقایق معقول نامأنوس است، کلیات با در نظر گرفتن طبع و عادات عموم به آن‌ها منتقل می‌شوند (همانجا) به همین دلیل فارابی مثال‌ها و اقناعیات را به عنوان شیوه مطلوب تعلیم برای عموم مردم برمی‌گزیند (همو، ۱۴۱۳ هـ ص ۱۶۷). فارابی تمایز اجتماعات انسانی را به اخلاق و عادات طبیعی و زبان منوط می‌داند (همو، ۱۹۹۶، ص ۷۵-۷۴)؛ بنابراین افراد هر جامعه‌ای دارای ویژگی‌های خلقی و طبق عادات خود هستند که مختص هر جامعه‌ای است و به این ترتیب مثال‌ها و محاکات هر جامعه نیز می‌بایست متناسب با اخلاق و عادات هر جامعه باشد تا مورد پذیرش عموم واقع شود؛ از اینرو از نظر فارابی، فهم اموری مانند مبادی عالی و حقایق کلی برای هر امتی از طریق محاکات و مثال‌ها خواهد بود که نزد مردم مأنوس‌تر است (همو، ۱۹۹۵، ص ۱۴۳). لذا طبیعی است که آموزش و تبلیغ هر جامعه‌ای باید طبق اخلاق و عادات آن‌ها و بر مدار سطح فهم و ادراک مخاطبین هر جامعه صورت گیرد. متخیلات و اقناعیات نیز، جنبه‌های تصویری تصدیقی مجردات و مبادی عالی هستند (همو، ۱۴۱۳ هـ ص ۱۸۵) که از آن‌ها به عنوان شیوه مطلوب تعلیم برای عموم مردم استفاده می‌شود (همان، ص ۱۶۷) و جمهور به دنبال رواج آن‌ها و محاکات حقایق قادر به ادراک حقایق که باید در راستای وصول به سعادت و تشکیل مدینه فاضله بدانند خواهند بود (فارابی، ۱۹۹۵، ص ۱۴۳-۱۴۲)؛ حقایق معقول در قالب متخیلات و اقناعیات به مردم منتقل می‌شوند و به دنبال آن، این قالب‌ها میان مردم مشهور می‌شوند. به این ترتیب تخیل و متخیلات، خود یکی از اسباب مشهورات هستند و از این رو از نظر معرفت‌شناسی بر مشهورات تقدم دارند و

۱- محاکات یکی از وظایفی است که بر عهده قوه متخیله آدمی است و نقش آن تصویربرداری از معقولات و محسوسات و انفعالات و شهوات قوه نزوعیه آدمی و هر آنچه به امور جسمانی او مربوط می‌شود است. فارابی از تعبیر دیگری نیز برای محاکات مانند مناسبت و تمثیل استفاده کرده است (فارابی، ۱۹۹۵، ص ۱۰-۱۱؛ ۱۴۳).

مقبولات (به عنوان ماده اصلی اقناعیات) به عنوان قسیم مشهورات به شمار می‌آیند (فارابی، ۱۴۰۴ هـ ب، ج ۴، ص ۳۹؛ همان، ج ۳، ص ۶۵) و مشهورات با متخیلات و مقبولات در تداخل قرار می‌گیرند (همان، ج ۳، ص ۶۶؛ همو، ۱۹۷۴، ص ۱۲۰ و ۱۲۶؛ همو، ۱۳۸۳، ص ۱۲۸؛ همو، ۱۳۸۸، ص ۴۷).

با توجه به مقدمات فوق می‌توان نتیجه گرفت دامنه مشهورات، متخیلات و اقناعیات را نیز در برمی‌گیرد و این سه روش تبلیغی اقناعی، تخیلی و مشهوری (که شامل اقناعیات و متخیلات می‌شود) از انواع شیوه‌های انتقال مفاهیم کلی و آموزش مردم و به عنوان ابزاری کارآمد در جهت به فعلیت رساندن اهداف مدینه فاضله محسوب می‌شوند که اثربخشی آن‌ها منوط به تناسب با ادراک مخاطبین خواهد بود؛ در غیر این صورت فوایدی بر آن‌ها مترتب نبوده و در راستای وصول به اهداف عملی خود ناکارآمد خواهند بود.

لازم به ذکر است تخیل و اقناع در دیدگاه فارابی تنها به جنبه فضائل نظری انسان مربوط می‌شوند و مربوط به حوزه تعلیم (مبادی قصوی و مبادی غیرجسمانی) می‌باشند (همو، ۱۴۱۳ هـ ص ۱۶۷)؛ اما مشهورات شامل هر دو فضیلت نظری و عملی می‌شوند و دامنه تعلیم و تأدیب را توأمان در برمی‌گیرند؛ زیرا همانطور که پیش‌تر گفته شده است ابن‌سینا تخیل و انفعال را از اسباب مشهورات به شمار می‌آورد (ابن‌سینا، ۱۳۸۳ الف، ج ۱، ص ۲۲۱؛ همو، شماره دست‌نویس ۴۷۵۵/۳، ص ۵۵؛ ۱۳۸۸، ص ۳۷) و مشهورات را با متخیلات و مقبولات در تداخل قرار می‌دهد و از جمله ویژگی‌های مشهورات را تعلق مشهورات به حوزه عمل افراد و رسوخ متعارف در اذهان می‌داند. با توجه به این مقدمات، دامنه مشهورات گسترده‌تر از تخیل و اقناع است و مشهورات، دامنه تخیل و اظهارات اقناعی و انفعالی را نیز در برمی‌گیرد.

از تأمل در باب مفهوم مشهورات و متخیلات و اقناعیات و تأمل در باب ویژگی فطری و اکتسابی مدبر مدینه (پیامبر) از دیدگاه فارابی (فارابی، ۱۹۹۵ م، ص ۱۱۸) این نتیجه حاصل می‌شود که میان مشهورات و متخیلات و اقناعیات با ویژگی فطری و اکتسابی مدبر مدینه ارتباط وجود دارد و می‌توان ویژگی فطری رئیس مدینه را متناظر با قوه متخیله او و کارکرد متخیلات و اقناعیات را در راستای وظیفه‌ی تبلیغی او و ویژگی اکتسابی رئیس مدینه را متناظر با سنجش و انتخاب بهترین شیوه‌ی تبلیغی او با در نظر گرفتن فرهنگ و سنت جوامع و مشهورات حاکم بر آن جوامع (تمامی آراء پذیرفته شده میان مردم و پسندها و ناپسندهای آن‌ها) دانست، به این بیان که فارابی فرایند دریافت وحی از سوی عقل فعال را منوط به حلول وحی در هر دو جزء قوه ناطقه و افاضه آن به قوه متخیله پیامبر می‌داند؛ در واقع معقولات به طریق محاکات از سوی عقل فعال به متخیله پیامبر افاضه می‌شود (فارابی، ۱۹۹۵ م، ص ۱۱۹ و ۱۲۱)؛ بنابراین قوه متخیله پیامبر به ذاته به غایت کمال ممکن رسیده و آماده دریافت

کلیات به هر دو صورت نفسی و محاکات شده است. ابن سینا تصریح می‌کند «آنچه نبی از عقل فعال دریافت می‌کند، معقول محض است» (ابن سینا، ۱۳۵۲، ص ۱۴). وی همچنین به قوه متخیله نبی و قوت شدید آن در نفس نبی اشاره دارد که حواس و انواع مصورات، قدرت استیلائی بر آن را ندارند. شیخ فرایند دریافت وحی را چنین بیان می‌کند «هنگامی که عقل فعال، معقولات را بر نفس نبی افزوده می‌کند، خیال نبی آن را دریافت کرده سپس در حس مشترک تصویر می‌کند، چنین انسانی دارای کمال نفس ناطقه و کمال قوه خیال است» (همو، ۱۴۰۴ هـ.الف، ج ۲، ص ۱۵۴؛ همو، ۱۳۶۳، ص ۱۱۹) و قادر به ادراک و دریافت حقایق معقول و کلیات به ذاته می‌شود. از طرفی نبی مأمور به تبلیغ حقایق است و جمهور قادر به ادراک حقایق معقول نیستند (فارابی، ۱۹۹۵ م، ص ۱۴۳) بنابراین نبی با دارا بودن کمال قوه متخیله و دریافت کلیات به صورت نفسی و محاکات از سوی عقل فعال قادر خواهد بود کلیات را در قالب مفاهیم متخیله و مُفَعَّه به مردم منتقل کند.

در مورد ارتباط ویژگی اکتسابی پیامبر و مشهورات و شیوه تبلیغی او می‌توان چنین بیان کرد خداوند رئیس مدینه را در قالب پیامبری می‌فرستد که با هر دو عالم فوق و تحت نفسانی آشنا باشد؛ به عبارت دیگر پیامبر حد واسط میان عالم ملکوت و ناسوت قرار می‌گیرد تا با هر دو وجه عالم علوی و سفلی آشنا باشد. بنابراین پیامبر باید با زبان و فرهنگ قومش آشنا باشد تا بتواند وظیفه تبلیغ خود را به بهترین وجه ممکن به انجام رساند. آیه قرآنی «ما هیچ رسولی را جز به زبان قومش نفرستادیم تا آیات را برایشان به تفصیل بیان کند» (ابراهیم، ۴) متناظر با همین مطلب است (زمخشری، ۱۴۰۷ هـ، ج ۲، ص ۵۳۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۴۶۷). پیامبران نیز در آیات قرآن کریم، بارها به این ویژگی (بشربودن و تعلق به این عالم) اشاره کرده‌اند. حضرت محمد مصطفی ﷺ خطاب به مردم با عبارات مشابه بیان می‌کند «من نیز مانند شما بشری هستم جز آن که به من وحی می‌شود» (فصلت، ۶: کتف، ۱۱۰). در واقع از بهترین روش‌های هدایت مردم آن است که فردی از جنس خودشان برای هدایت فرستاده شده است که مثل سایر مردم می‌خورد، می‌آشامد، راه می‌رود و آشنا با فرهنگ و عادات مردم جامعه است؛ با توجه به این مقدمات، پیامبر با کمال نفس ناطقه خود بهترین طریق ممکن دعوت را برمی‌گزیند، لازم به ذکر است که انکارکنندگان، بهترین شیوه هدایت را دلیل بر ضعف و انکار و دروغ‌گویی پیامبران قلمداد کردند. چنانکه در آیات متعدد قرآن کریم از زبان کافران، ظالمان، مفسدین و مخسرین این بیان که "شما نیز بشری مانند ما هستید"، مشاهده می‌شود (ابراهیم، ۱۰؛ انبیا، ۳؛ شعراء، ۱۵۴ و ۱۸۶).

مشهورات و جوامع انسانی

میان مفهوم مشهورات و اجتماع انسانی ارتباط و سنخیت وجود دارد؛ می‌توان گفت لازمه شکل‌گیری

مشهورات، اجتماعات انسانی است و تا اجتماعی نباشد، آراء پذیرفته شده نزد همگان شکل نمی‌گیرند و معنا نخواهند داشت. فارابی فلسفه تشکیل اجتماعات انسانی را در برآورده شدن حاجات اولی و ثانوی انسان یعنی بقای نوع انسانی، که خصلتی غریزی و مشترک میان انسان‌ها و حیوانات است و آنچه اقتضای نوعیت انسانی او را تشکیل می‌دهد، یعنی نیل به سعادت حقیقی، جست‌وجو می‌کند. در دیدگاه فارابی انسان به تنهایی، قادر به ادامه زندگی و شکوفا کردن استعدادهای خویش نیست. بنابراین نیاز انسان، او را به تشکیل اجتماعات کامل و غیر کامل سوق می‌دهد (فارابی، ۱۹۹۵م، ص ۱۱۲-۱۱۳). فارابی وجه تسمیه انسان به حیوان انسی و مدنی را به این ویژگی فطری آدمیان برمی‌گرداند (همو، ۱۴۱۳هـ ص ۱۳۹). به این ترتیب آراء مشهوره، اقتضای فطرت آدمی، یعنی اجتماعی زیستن او است.

ابن‌سینا نیز انسان را در تدبیر و گذران معیشت، ناگزیر از زندگی گروهی می‌داند. به عبارتی انسان‌ها در حفظ بقا و قوام خود، چاره‌ای جز مشارکت با دیگران نخواهند داشت. این نیازمندی مقدمه‌ای جهت تشکیل اجتماعات و شهرها خواهد بود. لازمه مشارکت مردم، داد و ستد و لازمه داد و ستد، قانون و عدل است (ابن‌سینا، ۱۴۰۴هـ ج، ص ۴۴۱). این قوانین و هنجارها جهت انتظام جامعه و دوری از فساد وضع می‌شوند و مفیده فایده هستند؛ لذا به نظر می‌رسد قانون و فقه از اولین مشهورات شکل گرفته میان انسان‌ها و اجتماعات محسوب می‌شوند. قوانین نزد فلاسفه ناموس نام دارد و عرب، ناموس را وحی و ملکی می‌داند که واسطه‌ای در ارتباط خدا و پیامبران است (همو، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹).

تحلیل جایگاه مشهورات در تعیین رفتار اجتماعی انسان یا بالعکس

ارتباط تنگاتنگی که میان مشهورات و اجتماعات انسانی وجود دارد موجب می‌شود آراء مشهوره که در دامنه اجتماعات و مدن پدید می‌آید به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در اجتماعات انسانی قلمداد شود. در این بیان به چگونگی تأثیر مشهورات در مدن و نقشی که آن‌ها در اجتماعات برعهده دارند پرداخته می‌شود. فارابی در بیان معارف مشترکی که شایسته است همه اهل مدینه فاضله به آن‌ها آگاهی یابند در کنار معرفت به سبب اول، جمیع مجردات، صفات آن‌ها و تکوین انسان، به مدینه فاضله و ریاست آن، وحی، جانشینان مدبر جامعه (پیامبر)، اهالی آن، سعادت و غایت حقیقی که انسان‌ها به آن رهنمون می‌شوند و مدینه‌های متضاد با مدینه فاضله اشاره می‌کند (فارابی، ۱۹۹۵، ص ۱۱۳-۱۱۴). ابن‌سینا در پرداختن به انواع مدن، در باب مدینه‌ها به مخاطب توصیه می‌کند مدن و احوالات آن‌ها، وجوه ثبات

۱- اجتماعات انسانی مبنای شکل‌گیری مشهورات است و تا اجتماعی نباشد، توافق بر آرا مشترکی صورت نمی‌گیرد و لذا آرا مشهوره‌ای میان عموم مردم شکل نخواهد گرفت.

و تغییر، ترتب آن‌ها و جهات صلاح و فسادشان را بشناسد. وی علت انتقال سیاسات را در تغییر احوالات مدن جست و جو می‌نماید (ابن‌سینا، ۱۹۵۰، ص ۳۷؛ شماره دست‌نویس ۳/۴۷۵۵، ص ۵۵).

این هر دو فیلسوف به مبحث مدن و کسب اطلاع از احوالات آن‌ها توجه نشان داده‌اند و عموم مردم و مخاطبان را دعوت به مطالعه و تأمل در این باب می‌کنند تا در نهایت انسان‌ها با آگاهی از سایر مدن (نقاط ضعف و کمبودها) به تشکیل مدینه فاضله همت گمارند و زعیم مدینه را در جهت وصول به مدینه فاضله یاری رسانند. توصیه ابن‌سینا نیز مبنی بر مطالعه مدینه‌ها و احوال تغییر و صلاح و فسادشان، توصیه‌ای روشی و ارزشمند است که پژوهشگر را به مطالعه تاریخی مدن و تأمل در احوالات مؤثر تغییر و ثبات مدن سوق می‌دهد.

از نظر فارابی اهداف و اغراض مدن در وجه تسمیه آن‌ها نقش مهمی دارند (فارابی، ۱۹۹۶/الف، ص ۸۱). در تبیین این عبارت فارابی باید گفت الفاظ و دلالت آن‌ها بر معانی مبتنی بر برداشت و مفهوم‌سازی معین میان واضع الفاظ با اشیاء است (فراهمرز قراملکی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۲) بنابراین وجه تسمیه اشیاء مسبوق به تصویری است که واضع الفاظ نسبت به اشیاء دارد. فارابی وجه تسمیه ریاسات را منوط به غایات و اغراضی می‌داند که مدینه درصدد رسیدن به آن است و غایت مدینه محور وجه تسمیه و تفاوت آن‌ها با سایر مدینه‌ها و در نتیجه تعیین مدینه محسوب می‌شود؛ به عبارتی نام و لفظ مدینه‌ها از دیدگاه فارابی وام‌دار غایات مدن و نماد غایات جوامع محسوب می‌شوند. بنابراین یکی از مهم‌ترین عوامل تغییر احوالات و انتقال سیاسات، هدف و غایت جامعه است. به موازات ثبات و تغییر اغراض مدینه، مدینه نیز ثابت می‌ماند یا به مدینه و سیاست دیگر منتقل می‌شود. البته به موازات تعیین اهداف جامعه و ریاسات، تمام امور و آراء و افعال نیز در خدمت وصول جامعه به اهداف موردنظر یکپارچه و متحد می‌شوند.

فارابی بنا به تعریفی که از مشهورات داشته است مهم‌ترین ویژگی آراء مشهوره را گستره وسیع میان مردم و عامل محرک و برانگیزاننده به سوی فعل می‌داند (فارابی، ۱۴۰۸ هـ ج ۱، ص ۱۹ و ۱۰۵). بر این اساس می‌توان این آراء را از مبادی انجام فعل برشمرد. از این ویژگی‌ها و آن‌هایی که ابن‌سینا آن‌ها را به مشهورات نسبت می‌دهد مانند تعلق مشهورات به حوزه عمل افراد و رسوخ متعارف آن‌ها در اذهان آدمی (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ هـ الف، ج ۲، ص ۳۷؛ همو، ۱۳۲۶، ص ۵۸) که در نهایت به ویژگی غایی مشهورات یعنی به عمل افراد منجر می‌شود و اسباب مشهورات مانند مصلحت عامه، احکامی که حاصل اجماع و توافق ارباب ملل و مذاهب است و سنن کهن) می‌توان دریافت مشهورات حاصل علل خود (فرهنگ جامعه زمان خود، آداب و رسوم و عادات، دین و مذهب، خلیقات و انفعالیات جمهور و مصلحت عامه) هستند. بنابراین به طور طبیعی مطالعه و تأمل در مشهورات هر مدینه، ذهن را به مبانی و زیر ساخت‌ها و علل آن رهنمون می‌کند و بالعکس مطالعه در حوزه علل مشهورات مانند فرهنگ و سنت و آنچه اقتضای مصلحت عامه جوامع و

حاصل اجماع ادیان و مذاهب ملل است، ذهن را به مشهورات حاکم بر آن جوامع سوق می‌دهد. با توجه به مقدمات فوق، می‌توان نتیجه گرفت زمانی که غایت و غرض مدینه‌ای مشخص می‌شود، به گونه‌ای که حتی وجه تسمیه مدینه نیز بر مبنای آن صورت می‌گیرد، تمام آراء و افعال مدینه نیز در راستای وصول به هدف یکپارچه و متحد می‌شوند، مخصوصاً عواملی که عامل اصلی محرک و برانگیزاننده انسان به سمت انجام فعل در راستای وصول به هدف هستند و آرائی که میان مردم از مقبولیت بالایی برخوردار هستند و الگوی عمل افراد قرار می‌گیرند. در این میان می‌توان آراء مشهوره را از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در مدینه در جهت وصول به هدف دانست. به عبارتی به موازات ثبات و تغییر غایات مدینه، آراء مشهوره نیز به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در غایت و تشخیص جامعه نقش خود را ایفا می‌کنند. به بیان دقیق‌تر به موازات ثبات و تغییر اهداف، عوامل شکل‌گیری مشهورات و به دنبال آن آراء مشهوره در جهت رسیدن به غایت و تشخیص مدینه، ثابت می‌مانند یا تغییر می‌کنند. کاربرد آراء مشهوره و نقش آن در تعیین مدینه دارای مزیتی مجزای از سایر آراء است و آن این است که زعیم مدینه در سوق آراء مشهوره جامعه به سمت اهداف مورد نظر مدینه، از حمایت عموم برخوردار خواهد شد و افراد با میل و رغبت، او را در جهت رسیدن به مقصود یاری خواهند کرد؛ زیرا کارکرد اصلی مشهورات منوط به پذیرش از سوی عامه مردم و مشهوره شدن میان آن‌ها، آنگاه عمل کردن در راستای آن است؛ به عبارتی مشهوره شدن آراء خاصی میان مردم منوط به پذیرش آن‌ها از سوی افراد جامعه است که این امر حمایت عموم را در پی خواهد داشت؛ لذا استفاده از آراء مشهوره در پیشبرد سریع‌تر مدینه در جهات مختلف فرهنگی، علمی، اخلاقی و سعادت مدینه، نقش مهمی ایفا می‌کند و ترویج افکار و اعمالی که رهبر مدینه در صدد تحقق آن‌ها است از طریق مشهورات میسر و مفید خواهد بود. همچنین مشهورات به دلیل داشتن ویژگی برخورداری از حمایت عموم مردم، آراء و ابزار بسیار سودمندی برای مدینه خصم در جهت نیل به مقصود خویش و آسیب رساندن به مدینه موردنظر می‌باشند و آن‌ها می‌توانند با ترویج آراء و فرهنگ موردنظر خویش، جامعه را به سمت انحطاط و از بین رفتن ارزش‌ها سوق دهند.

به این ترتیب با مطالعه مشهورات هر جامعه و علل تغییر و ثبات آن می‌توان به شناخت اهداف زعماء و علل تغییر و ثبات مدینه‌ها، سنجش میزان درایت و فراست حاکمان در وصول مدینه به غایات و مواجهه با مسائل مختلف، چگونگی ارتباط میان رؤساء و عموم مردم، تقید مدینه به دین و اخلاق، انواع تبدلات میان اقوام، ارتباط مدن با سایر مدینه‌ها اعم از رابطه تفاهم یا تخاصم و... پی برد. در بیان کلی می‌توان گفت زمان و غایات مدینه و نیازهای آن‌ها به منزله بستری برای شکل‌گیری مشهورات و جریان یافتن آن‌ها در جامعه است. به همین دلیل مشهورات مانند آئینه‌ای نیازهای جامعه، اهداف رهبران و انواع ارتباط آن‌ها با مردم را نشان می‌دهند.

اقسام مدینه از دیدگاه فارابی

بر اساس سخن فارابی در احصاء العلوم نامگذاری مدن و ام‌دار اهداف آن‌ها است و نام هر مدینه، نماد غایت مدینه محسوب می‌شود (فارابی، ۱۹۹۶/ف، ص ۸۱). از آنجا که وجه تسمیه اشیا مبتنی بر مفهوم‌سازی خاصی میان واضع الفاظ و اشیا است فارابی مفهوم‌سازی خود در نام مدن را بر حسب غایات مدن شکل می‌دهد و در این راستا، مقصود تمام ارکان مدینه در جهت وصول به آن غایات متحد می‌شود. به موازات اهداف مدینه که تعیین و تشخیص مدینه نیز بر مبنای آن‌ها صورت می‌گیرد، آرائی که محرک انسان‌ها برای انجام افعال در راستای وصول به اهداف است نیز یاری‌دهنده مدینه به سمت تعیین آن است. از مهم‌ترین این آراء آنطور که از تعریف آن‌ها نزد فارابی و ابن‌سینا برمی‌آید مشهورات مدینه‌ها هستند؛ به عبارتی مشهورات مدینه نیز در راستای اهداف مدینه از عوامل تعیین‌بخش مدینه محسوب می‌شوند؛ لذا مشهورات مدن به عنوان ابزار اجتماعی کارآمد در دست مدبر جامعه به سمت هدف مورد نظر شکل می‌گیرند. اینک به گزارش و بررسی اقسام مدن از دیدگاه فارابی و ابن‌سینا و تأثیرپذیری مشهورات مدینه از غایات مدینه در جهت تعیین مدن می‌پردازیم. مدینه جاهلی از نگاه فارابی مدینه‌ای است که اهل آن سعادت و مطلوب حقیقی را نمی‌شناسند و اگر به آن هدایت شوند، آن را درک نمی‌کنند و معتقد به آن نمی‌شوند و به خیرات ظاهری واقف هستند (همو، ۱۹۹۵، ص ۱۱۲). اولین قسم مدینه جاهلی که فارابی به آن می‌پردازد مدینه‌ی ضروری است، فارابی در بیان هویت این مدینه به غایت مدینه می‌پردازد و تعاون آن را در حفظ قوام بدن و نیازهای اولی آن می‌داند (همو، ۱۹۹۶، ص ۱۰۰-۱۰۱؛ همو، ۱۹۹۵، ص ۱۲۸؛ ۱۴۰۵ هـ ص ۴۵). این مدینه از لحاظ غایت به دنبال کسب نیازهای اولی و ضروری زندگی است؛ بنابراین می‌توان آن را مصداق بارز فلسفه‌ی تشکیل اجتماعات انسانی و عقد مدینه‌ها محسوب کرد. این مدینه به جهت هدف خود که تأمین نیازهای اولی انسان است مقدم بر سایر مدن قرار می‌گیرد و پس از رفع نیازهای اولی انسانی، به جهت شکل گرفتن نیازهای دیگر در انسان، انتقال آن به سیاسات دیگر قطعی است.

دومین مدینه جاهله، مدینه نذاله است و فارابی هدف از تعاون این مدینه را دست‌یابی به ثروت بیش از میزان نیاز افراد می‌داند (فارابی، ۱۹۹۶، ص ۱۰۱-۱۰۲؛ همو، ۱۹۹۵، ص ۱۲۸؛ ۱۴۰۵ هـ ص ۴۵).

سومین مدینه جاهلی، اجتماع خسیس و سقوط نام دارد و هدف آن رسیدن به انواع لذات حسی و خیالی و وهمی است (فارابی، ۱۹۹۶، ص ۱۰۲؛ همو، ۱۹۹۵، ص ۱۲۸؛ ۱۴۰۵ هـ ص ۴۵).

به نظر می‌رسد جوامع جاهلی فارابی، روند طبیعی را طی می‌کنند؛ به این معنا که اگر جامعه‌ای به رفع کامل احتیاجات خود فائق آید و ثروت هنگفتی به دست آورد و در عین حال نسبت به سعادت حقیقی جاهل باشد، طبیعی است که در جست و جوی هر چه بیشتر لذات باشد و آن را نهایت غایت خود تلقی کند، وجه تسمیه آن به سقوط نیز می‌تواند به این علت باشد که در چنین جامعه‌ای، به

موازات وصول به هدف، یعنی رسیدن به انواع لذات نفسانی، چیزی از انسانیت باقی نمی‌ماند و انسان به سر حد موقعیت حیوان تنزل می‌کند.

فارابی در چهارمین مدینه جاهلی، به بیان هدف آن یعنی اکرام و گرامیداشت اهالی مدینه یا مدن دیگر و مدح و تجلیل آن‌ها می‌پردازد. معیار گرامیداشت و کرامت افراد، بسته به نوع ارزش‌ها و آداب و تاریخ جوامع فرق می‌کند. البته تمام معیارهای مدینه کرامت، مانند ثروت، نسب، اسباب لذت و لعب، علم و... سعادت‌نما و پنداری هستند. فارابی انتقال این مدینه را به مدینه جبارین ممکن می‌داند و علت این انتقال را افراط در محبت کرامت می‌داند و امکان انتقال این مدینه به تغلب را هم می‌دهد، جانشینی در این مدینه بر اساس وراثت و بر مدار پندار سعادت می‌چرخد (فارابی، ۱۹۹۶ ب، ص ۱۰۲-۱۰۷؛ همو، ۱۹۹۵ م، ص ۱۲۸).

پنجمین مدینه، مدینه تغلب نام دارد و هدف آن تعاون و همکاری در جهت پیروزی بر خصم است و رئیس آن بهترین تدبیر و جودت رأی را در راستای هدف مورد نظر نسبت به سایرین دارد، در این مدینه نیز امکان تغییر به مدینه جبارین وجود دارد (همان، ۱۰۷-۱۱۲؛ همان، ص ۱۲۹).

آخرین مدینه جاهله، مدینه آزاد نام دارد، در این مدینه مردم خواستار آزادی مطلق هستند. این مدینه از میان سایر مدن، به مدینه معجبه و سعیده ملقب و کانون تمام اغراض مدن جاهله است. در این مدینه رئیس و مرعوسی به معنای واقعی وجود ندارد و احترام و تکریم و ستایش در این مدینه به کسی تعلق می‌گیرد که مردم را به آزادی و خواسته‌های شهوانی‌اشان برساند و اگر زعیمی برخلاف خواسته‌هایشان، آنان را به سعادت هدایت کند یا مخلوع می‌شود یا به قتل می‌رسد و یا مجبور به اطاعت می‌شود (همو، ۱۹۹۶ ب، ص ۱۱۴-۱۱۷؛ ۱۹۹۵ م، ص ۱۲۹).

زمانی که غایات مدینه‌ای، رفع نیازهای اولی یا رسیدن به ثروت یا لذت یا تغلب و پیروزی بر خصم یا رسیدن به تمام خواسته‌های نفسانی باشد، تمام آراء و قوانین و هنجارهای آن جامعه که معیار افعال مردم قرار می‌گیرند می‌توانند به منزله ابزاری در دست مدبر جامعه و نخبگان آن در راستای اهداف مورد نظر جامعه محسوب شوند که بر مدار هدف جامعه وضع می‌شوند یا تغییر می‌یابند. به طور مثال در مدینه تغلب به اقتضای هدف فتح و چیرگی، مشهورات مدینه در کنار سایر آراء مدینه در راستای اهداف آن تحت تأثیر قوه غضبیه و حد افراطی آن شکل می‌گیرند و در مدینه جماعیت، مشهورات مدینه تحت تأثیر قوه شهوانی و در خدمت آن وضع می‌شوند یا تغییر می‌کنند.

فارابی پس از بیان انواع مدن جاهله از مدینه فاسقه یاد می‌کند و آن را مدینه‌ای می‌داند که مردم آن، سعادت را می‌شناسند و به آن هدایت می‌شوند؛ لیکن در مقام عمل، افعالی متناظر با افعال مدن

جاهلی انجام می‌دهند. بنابراین متناظر با انواع مدن جاهله، مدن فاسقه وجود دارد (فارابی، ۱۹۹۶ ب، ۱۱۹-۱۲۰؛ همو، ۱۹۹۵ م، ص ۱۲۹).

مدینه گمراه به مدینه‌ای اطلاق می‌شود که مردم آن درباره خدای عزوجل و عقل فعال آراء فاسدی دارند که اصلاح پذیر نیست (همو، ۱۹۹۵، ص ۱۳۰-۱۲۹). در واقع سعادت‌پنداری و غیرحقیقی بر ایشان محاکات و مستولی می‌شود و مردم بر اساس محاکات سعادت، اعمال خود را تنظیم می‌کنند و انجام می‌دهند (همو، ۱۹۹۶ ب، ص ۱۲۰). در این مدینه، این پندار شکل می‌گیرد که به رئیس مدینه وحی می‌شود؛ در حالیکه اینچنین نیست و رئیس مدینه در راستای پندار نادرست مردم، از فریب و نیرنگ استفاده می‌کند (همو، ۱۹۹۵، ص ۱۳۰). زمانی که ریاست مدینه‌ای بر مدار دروغ و فریب استوار باشد، دور از ذهن نخواهد بود که آراء فاسد و محاکات غیرحقیقی سعادت از سوی رئیس یا رؤسای مدینه با آموزش و تبلیغ میان مردم رواج یابد و مشهوره شود. در بیان تفصیلی می‌توان گفت بر اساس هدف مدبر جامعه که آراء فاسد و سعادت غیرحقیقی را برای مردم محاکات می‌کند، آرائی به موازات هدف شکل می‌گیرد که عموم مردم با پذیرش این آراء در مقام نظر، به سوی انجام افعال بر محور هدف برانگیخته می‌شوند. در واقع از آنجا که انجام افعال مسبوق به پذیرش آرائی در مقام نظر و در جهت نیل به اهداف خواهد بود؛ مدبر جامعه از آرائی استفاده می‌کند که برانگیزاننده مردم به سمت مطلوب موردنظر وی باشد. از جمله مهم‌ترین این آراء، مشهورات هر مدینه هستند که میان مردم رواج می‌یابند و نقشی مهمی را در جهت نیل به مقصود برای مدبر مدینه ایفا می‌کنند. عموم مردم بر مبنای این آراء، اعمال خود را تنظیم می‌کنند. از بیانات فارابی نتیجه می‌شود رؤسای جامعه، نقش بسیار مؤثری در ضلالت مردم دارند؛ زیرا رئیس مدینه در صورت منتسب کردن وحی و پیام آسمانی به خود با فریب و نیرنگ از باور مردم استفاده می‌کند و این پندار نادرست مردم در مورد خود را در جهت وصول به اهداف و خواسته‌های خود به کار می‌گیرد و جامعه را به سمت انحطاط و سعادت غیرحقیقی سوق می‌دهد.

فارابی از مدینه دیگری به نام مدینه مبدله یاد می‌کند که آراء درست مردم تغییر کرده و افعالشان بر خلاف آراء و افعال مدینه فاضله سوق پیدا کرده است (همان، ۱۲۹)، به نظر می‌رسد تغییر در سطح عقاید و افعال مردم مبتنی بر عللی مانند انفعال و تأثیرپذیری از فرهنگ‌ها و سرزمین‌های دیگر و یا انتقال به سیاست دیگر است.

سرانجام فارابی مدینه فاضله را به همکاری و تعاون در جهت وصول به قوام و حفظ نوع بشر و رسیدن به افضل‌اشیایی که انسان برای آن خلق شده است (کمال و سعادت) معرفی می‌کند (همو، ۱۴۰۵ هـ، ص ۴۵؛ همو، ۱۹۹۵ م، ص ۱۳۰). وی در تعریف مدینه، به تعریف غایی آن می‌پردازد؛ زیرا در صورت تعیین و نهادینه کردن هدف، قوانین و مشهورات در راستای آن وضع و مدون می‌شوند و اعمال

بر طبق آن انجام می‌شود.

از تأمل در آثار فارابی می‌توان دریافت وجه تسمیه مدینه بر اساس هدف شکل می‌گیرد و نام مدینه نشان‌دهنده هدف مدینه و تفاوت مدینه با مدن دیگر و به تبع تعیین آن مدینه است. به پیروی از اغراض و اهداف مدن، تمام ارکان و افعال و آراء تأثیرگذار بر مردم در مدینه به سمت وصول به هدف متحد می‌شوند. از جمله آراء تأثیرگذار و محرک عموم به سمت اهداف، مشهورات (با توجه به تعریف آن) هر مدینه هستند؛ زیرا این آراء می‌توانند با اسباب و عوامل خود از ابزارهای مدنی و کارآمد در دست مدبر مدینه در جهت برانگیختن مردم به سمت پذیرش و انجام افعال در راستای وصول به اهداف باشند. آنچه که در مبحث مدن فارابی حائز اهمیت است این است که در تمام مبحث گزارش مدن، به رئیس هر مدینه و نوع ریاست آن اشاره می‌شود. فارابی رئیس هر مدینه را متصف به صفت حسن تدبیر در جهت وصول به اهداف مدینه می‌داند (فارابی، ۱۹۹۶، ص ۱۰۱-۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۷). می‌توان یکی از مصادیق و لوازم حسن تدبیر مدبر مدینه را پیشرو بودن او در انجام اعمال در راستای اهداف مدینه قلمداد کرد؛ زیرا علاوه بر این که این امر می‌تواند به منزله تشویق عموم به سوی پذیرش آراء و عمل در راستای هدف جامعه تلقی شود، سبب می‌شود عموم مردم به رئیس مدینه اعتماد کرده و زعامت او را بر خود بپذیرند.

اقسام مدینه از دیدگاه ابن‌سینا

ابن‌سینا در میان آثار خود، در دو اثر کتاب‌المجموع و رساله الموجزة فی المنطق به گزارش و بیان مدینه‌ها پرداخته است. اولین مدینه یاد شده در آثار ابن‌سینا، مدینه دیمقراطی است. از خصوصیات این مدینه تساوی اقشار مختلف مردم در استحقاق عقوبات و پاداش است و تعیین رئیس مدینه از طریق اجماع و یا از طریق جانشین زعیم اول خواهد بود (ابن‌سینا، ۱۹۵۰، ص ۳۸۳۷؛ شماره دست نویس ۴۷۵۵/۳، ص ۵۵). آنچه در این مدینه در رأس فضیلت‌ها به نظر می‌رسد، رعایت عدالت در پاداش و کیفر است که تنها نظر به وجه انسانی افراد می‌شود و توجهی به مراتب اجتماعی آن‌ها نمی‌گردد؛ این ویژگی یکی از اساسی‌ترین خصوصیات جامعه اخلاقی است. دور از ذهن هم نخواهد بود که شایسته‌سالاری ملاک تعیین زعیم مدینه باشد؛ زیرا از طریق اجماع صورت می‌گیرد که ممکن است شایستگی از لحاظ علم و عمل مدنظر قرار گیرد.

دومین مدینه‌ای که ابن‌سینا از آن یاد می‌کند، ریاست خساست نام دارد که اساس آن بر مدار مال و ثروت می‌چرخد، این ریاست به دو ریاست یا مدینه دیگر تقسیم می‌شود. یک قسم آن، ریاست

تغلب نام دارد و ریاست آن براساس چیرگی فردی است که با ثروت، حکومت را تحت اختیار خود درمی آورد. این توضیح بیانگر وجه تسمیه آن است. قسیم ریاست تغلب، ریاست قلت است، ابن سینا در توضیح آن از نفی به اثبات می رسد و می گوید این ریاست از طریق تغلب حاصل نمی شود بلکه فردی را به سبب احتیاج به ثروت او به مقام ریاست می رسانند. از ویژگی های ریاست تغلب این است که کثرت رؤساء، مانع تشخیص مدینه و سبب عدم ثبوت آن می شود؛ لیکن کثرت رؤسا در ریاست قلت، ضروری به تشخیص آن نمی زند و ممکن است رهبران با یکدیگر به توافق برسند (ابن سینا، ۱۹۵۰، ص ۳۸-۳۹؛ شماره دست نویس ۳/۴۷۵۵، ص ۵۵).

از تأمل در باب مدینه قلت می توان استنباط کرد که گاهی نیازها، سبب شکل گیری و تعیین مدن می شوند و رفع این نیازها در درجه اعلائی آن غایت نهایی مدن محسوب خواهد شد و به دنبال آن تمام ارکان و آراء که مهم ترین آن ها مشهورات هر اجتماعی است در جهت رسیدن به غایت مدن شکل می گیرند. در مدینه قلت بر حسب نیاز به ثروت، داشتن ثروت حداکثری غایت مدینه محسوب می شود و داشتن ثروت بیشتر به منزله ی مورد اکرام قرار گرفتن دیگران یا رفاه بیشتر، مهم ترین مشهوره ی آن جوامع محسوب می شود؛ بنابراین به دنبال تعیین اهداف مدینه و سوق دادن تمام ارکان و آراء مورد پذیرش مردم در جهت اهداف مدینه، ریاست و نوع سیاست مدینه نیز تعیین می شود. این امکان وجود دارد مدنی که بر حسب نیازهای اولیه مردم یا نیاز به ثروت در جامعه ای مانند مدینه ضروری از دیدگاه فارابی شکل گرفته باشند پس از رفع نیاز، دیگر افراد مدینه خواستار آن نباشند و در صدد تغییر آن برآیند؛ زیرا پس از رفع این احتیاجات، نیازهای دیگری در مردم شکل خواهد گرفت که این نیازها می تواند منشأ شکل گیری مدینه های دیگر شوند. در صورتی تداوم این مدن امکان پذیر خواهد بود که رئیس مدینه، قوانینی در جهت اصلاح امور مردم وضع کند و در جهت حفظ مصالح آن ها بکوشد؛ اما به طور کلی تضمینی به پایداری این مدن وجود ندارد.

سومین و یا ششمین مدینه، ریاست وحدانی نام دارد و غرض رئیس آن، اکرام مردم و طاعت آن هاست. از ویژگی های این مدینه، حفظ مدینه در مقابل دشمنان است البته این ویژگی از وظایف اولی تمام رؤساء محسوب می شود، ویژگی دیگر آن بسط اراضی مدینه و گرفتن مالیات و عوارض است و کثرت رؤسا منجر به فساد آن نمی شود (همان، ۱۹۵۰، ص ۳۹؛ شماره دست نویس ۳/۴۷۵۵، ص ۵۵). از ویژگی های این مدینه؛ هدف مدینه (اکرام و طاعت رعیت) و آسیب نرسیدن به تعیین مدینه بر اثر کثرت رؤسا است؛ زیرا همه رؤسا در جهت وصول به هدف واحدی کوشش خواهند کرد و اختلاف نظرها را در جهت اصلاح آن مدینه کنار گذاشته و در جهت تکمیل آن، نظریه و عملکرد منسجمی را ارائه خواهند داد.

ابن‌سینا آخرین مدینه را در آثار خود اسطوقراطیت می‌نامد و این ریاست را ریاست حکیمه می‌خواند. وی ریاست مدینه را از آن کسی می‌داند که از نظر فضایل نفسانی و خلقی سرآمد امت باشد. در این مدینه ریاست هر حوزه و صنعتی، برعهده حازق‌ترین افراد آن حوزه و صنعت است و هرکس برحسب فضیلت و نقصان دارای جایگاه مختص به خود است. ابن‌سینا متناظر با این رتبه‌بندی را در عالم کبیر (ترتیب عالم در اجزای آن) و در عالم صغیر (ترتیب بدن انسان در اجزای آن) نیز موجود می‌داند (ابن‌سینا، ۱۹۵۰، ص ۳۹-۴۰؛ همانجا).

در صورت ترکیب و رهبری این ریاست بر حسب دو فضیلت علم و عمل، این سیاست، ملک و در صورت رهبری این ریاست بر حسب فضیلت عمل، ریاست اخیار نامیده می‌شود. این ریاست برگرفته از ریاست الهی است و در آن هیچ چیزی بی‌فایده نیست. به گفته شیخ‌الرئیس به فرض یافت شدن این ریاست در عالم، تعداد آن اندک خواهد بود. سپس مراتب تنزل یافته سیاست بعد از سیاست ملک ذکر می‌شود، اگر سیاست ملک از بین برود، مدینه نازل آن، سیاست کرامت است سپس به سیاست تغلب تنزل می‌یابد، رؤسای این مدینه در امکانه و ازمنه مختلف چون نفس واحدی تلقی می‌شوند که یک هدف دارند و آن خیر است (همان، شماره دست نویس ۴۷۵۵/۳، ص ۵۵).

ابن‌سینا قابلیت ترکیب این سیاسات را در عالم میسر می‌داند و نمونه ترکیب سیاسات را در جامعه کنونی خود مثال می‌زند که از نظر تحلیل تاریخی، جامعه‌شناختی، فرهنگی و ... بسیار مهم است، او سیاست موجود سرزمین خود را مرکب از سیاست تغلب و قلت می‌داند و سیاست کرامت را نیز اضافه می‌کند و ویژگی‌های سیاست جماعت را در سیاست موجود صادق می‌داند و اشاره می‌کند که اگر ویژگی‌ای از سیاست اخیار در آن حکومت موجود باشد بسیار اندک است (همو، ۱۹۵۰، ص ۴۲؛ شماره دست نویس ۴۷۵۵/۳، ص ۵۵)؛ بنابراین وی سیاست جامعه خود را مرکب از پنج سیاست می‌داند. می‌توان با توجه به تعریف سیاسات و مدن از دیدگاه ابن‌سینا سیاست زمان او را این‌گونه توصیف کرد که سیاست آن زمان بر مدار ثروت می‌چرخید و زعیم مدینه با داشتن ثروت، حکومت منطقه را به دست گرفته و در عین حال به اکرام و طاعت رعیت توجه داشته است، شیخ از سیاست جماعت نامی نبرده است ولی با توجه به تعریف فارابی از اجتماع جماعت شاید بتوان گفت رئیس اجتماع آن زمان، مردم را در رسیدن به خواسته‌های نفسانی‌شان آزاد می‌گذاشته است.

ارزیابی انطباق نظریه مدن نزد فارابی و ابن‌سینا

فارابی در ترتیب مدن، ابتدا از مدنی که سعادت را نمی‌شناسند، یاد می‌کند سپس به مدنی اشاره می‌کند که سعادت را می‌شناسند ولی به دلایل مختلف، بر مبنای آن عمل نمی‌کنند و در نهایت بحث

مدینه فاضله را باز می‌کند (فارابی، ۱۹۹۶، ص ۱۱۷-۱۰۰؛ همو، ۱۹۹۵، ص ۱۲۸-۱۳۱).

تأمل در ترتیب مدن جاهله به انسان شناسی فارابی اشاره دارد؛ اگر مدینه‌ای مورد هجوم مدن دیگر قرار نگیرد یا متأثر از مدن دیگر نشود، در اولین مرحله شکل‌گیری، رفع نیازهای ابتدایی در جهت حفظ قوام انسان، در صدر اهمیت قرار می‌گیرد. پس از مرحله اول افراد در صدد افزایش ثروت و بهبود معیشت خود برمی‌آیند، پس از طی مرحله اول و دوم، افراد در جهت بهره‌مندی هر چه بیشتر لذات خود می‌کوشند. در این سطح از جامعه، مورد تجلیل و احترام دیگران قرار گرفتن در آن‌ها برانگیخته می‌شود. پس از تکمیل و رفع نیازهای اولی و ثانوی، حس زیاده‌خواهی و غلبه بر آن‌ها چیره می‌شود و در نهایت با طی کردن چنین روندی، خواستار آزادی مطلق و غوطه‌ور شدن در تمایلات شهوانی خود می‌شوند.

فارابی پس از ذکر انواع مدن جاهلی، به مدینه‌های فاسقه، مبدله، ضاله و انواع نوابت می‌پردازد؛ این مدینه‌ها، مدن درجه دوم را در آثار فارابی تشکیل می‌دهند؛ به عبارت دیگر مدن یاد شده، پس از دوران پختگی و آشنایی با علوم نظری شکل گرفته‌اند. تأمل در ترتیب منطقی مدن از دیدگاه ابن‌سینا، توجه وی به انواع سیاسات و مدن زمانه‌اش را نشان می‌دهد. مدن ششگانه ابن‌سینا با سه مدینه خساست، تغلب و کرامیت فارابی اشتراک لفظ دارد.

۱- مدینه خست فارابی و ابن‌سینا مشترک لفظی هستند (فارابی، ۱۹۹۶، ص ۱۰۲؛ همو، ۱۹۹۵، ص ۱۲۸؛ ابن‌سینا، ۱۹۵۰، ص ۳۹-۳۸؛ شماره دست‌نویس ۴۷۵۵/۳، ص ۵۵). مدینه فارابی با غوطه‌ور شدن در انواع لذات دنیوی، فرومایه و پست می‌شود و مدینه ابن‌سینا، مقسم برای دو مدینه تغلب و قلت واقع می‌شود و بر مدار ثروت می‌چرخد.

۲- وجه شباهت مدینه تغلب فارابی و ابن‌سینا در غلبه و پیروزی بر خصم است (فارابی، ۱۹۹۶، ص ۱۰۷؛ همو، ۱۹۹۵، ص ۱۲۸؛ ابن‌سینا، ۱۹۵۰، ص ۳۹-۳۸؛ شماره دست‌نویس ۴۷۵۵/۳، ص ۵۵). هدف مدینه فارابی، تنها لذت غلبه و پیروزی بر خصم است ولی مدینه ابن‌سینا تحت مقسم کلی خساست بر مدار ثروت می‌چرخد و رئیس آن با ثروت خود، ریاست مدینه را به دست می‌گیرد. علاوه بر تفاوت این دو مدینه در هدف، مشهورات آن‌ها نیز به تبع هدف با یکدیگر متفاوت است. مشهور مدینه فارابی، غلبه است و مشهور مدینه ابن‌سینا، ثروت.

۳- وجه شبه مدینه کرامت یا وحدانی فارابی و ابن‌سینا در اکرام و احترام دیگران است (همان، ص ۱۰۲؛ همان، ص ۱۲۸؛ همان، ص ۳۹؛ شماره دست‌نویس ۴۷۵۵/۳، ص ۵۵). هدف مدینه فارابی، تجلیل و بزرگداشت افراد بر حسب انواع شایستگی‌های مدن جاهلی است و هدف مدینه ابن‌سینا در راستای اکرام و اطاعت زعیم نسبت به عموم مردم است؛ بنابراین این دو مدینه در هدف و متعلق احترام تفاوت دارند.

مدینه فاضله فارابی با مدینه اسطوقراطیت و ملک ابن‌سینا تناظر دارد (فارابی، ۱۴۰۵ هـ، ص ۴۵؛ همو، ۱۹۹۵، ص ۱۳۰؛ ابن‌سینا، ۱۹۵۰، ص ۳۹-۴۰؛ شماره دست‌نویس ۴۷۵۵/۳، ص ۵۵). فارابی در آثار خود میان مدینه و

عالم از حیث ائتلاف و ارتباط تناسب برقرار کرده است (فارابی، ۱۹۹۱م، ص ۶۵). وی همچنین میان مدینه و بدن انسان سالم از حیث تعاون و اجزای متفاضله الفطره و القوی ارتباط برقرار می‌کند (همو، ۱۹۹۵م، ص ۱۱۲) همچنین میان مدینه و موجودات طبیعی نیز شباهت و تناسب می‌بیند (همو، ۱۹۹۶م، ص ۹۴-۹۵). ابن‌سینا نیز تقدم و تأخر مدینه را در عالم کبیر و صغیر موجود می‌داند؛ در اصل وی الگوی رتبه‌بندی در مدینه را برگرفته از طبیعت و بدن انسان می‌داند (ابن‌سینا، ۱۹۵۰م، ص ۳۹-۴۰؛ شماره دست نویس ۴۷۵۵/۳، ص ۵۵).

نتیجه‌گیری

۱- قوانین و علم فقه به عنوان آراء و احکامی که برای جلوگیری از فساد و هرج و مرج در جوامع وضع می‌شوند از اولین مشهورات شکل گرفته در جوامع محسوب می‌شوند؛ از این رو می‌توان گفت مشهورات اقتضای فطرت آدمی، یعنی اجتماعی زیستن و مشارکت با دیگران است. دامنه مشهورات به دلیل گستره کاربرد وسیع، برخی از متخیلات و اقتناعیات را دربرمی‌گیرد. در این راستا کارکرد متخیلات و اقتناعیات را می‌توان معطوف به ویژگی‌های فطری پیامبر و مشهورات را معطوف به ویژگی‌های اکتسابی او دانست.

۲- فلسفه وضع مشهورات در آغاز امر (از نوع قانون و فقه)، جلوگیری از پریشانی و هرج و مرج بوده است و در تطور خود، نقش تعیین‌بخشی به جوامع در راستای خدمت به غایات مدینه را عهده دار شده است. در تبیین عبارت اخیر می‌توان گفت فارابی اغراض مدن را وجه تسمیه مدن قرار می‌دهد و از نظر او نام مدن نشانگر غایات آن‌هاست؛ به تبع تعیین غایات مدینه، تمام افعال و آراء مدینه در جهت نیل به مقصود مدینه متحد می‌شوند، در این راستا از مهم‌ترین آرائی که نقش محرک و برانگیزاننده مردم به سمت غایات مدینه را برعهده دارند، مشهورات هر مدینه هستند که می‌توانند در جهت وصول به اغراض مدینه وضع شوند یا تغییر یابند و نقش مهمی را در وصول مدینه به اهداف خود و در نتیجه در تعیین بخشی مدینه ایفا کنند؛ به همین دلیل است که مشهورات به تبع عوامل (مصلحت عامه، دین، سنت و...) و اغراضی که در جهت آن‌ها شکل می‌گیرند و از حیث گستره وسیع و جنبه‌های مختلف روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، سیاسی و... از زیرساخت‌های مهم تمدن بشری محسوب می‌شوند و به منزله آئینه‌ای، نیازهای جامعه، اهداف زعماء و مدن و تأثیر و تأثر با جوامع دیگر را نمایش می‌دهند. از تأمل بر مدن از منظر ابن‌سینا به خصوص مدینه قلت، این نتیجه حاصل می‌شود که گاهی نیازهای مدن یکی از عوامل شکل‌گیری غایات مدن محسوب می‌شوند، به دنبال شکل‌گیری غایات مدینه که تعیین مدینه نیز به موازات آن شکل می‌گیرد، مشهورات آن جامعه در راستای وصول به غایات مدینه و

در جهت رفع نیاز و رسیدن به مرحله بی‌نیازی وضع می‌شوند؛ بنابراین مشهورات مدن نقش بسیار مهمی در تعیین بخشی مدن به تبع اهداف مدن خواهند داشت.

۳- حاصل بررسی تطبیقی دیدگاه فارابی و ابن سینا در گزارش مدن این است که سیر ترتیبی مدن نزد فارابی، نشان از دیدگاه روان‌شناسی و به طور کلی انسان‌شناسی او دارد. وی در اولین مرحله بیان مدن، به مدن جاهله سپس مدن درجه دوم یعنی مدنی که آگاه به علوم و مقصود نهایی انسان‌ها یعنی سعادت هستند اما به دلایلی به آن‌ها عمل نمی‌کنند و در نهایت به مدینه فاضله می‌پردازد. هدف ابن سینا، بیان انواع سیاسات موجود زمان خود و انتقاد از آن‌ها بوده است. ابن سینا در سه مدینه خست، تغلب و کرامت با فارابی اشتراک لفظ دارد اما نقطه اشتراک آن‌ها در مدینه فاضله و حکیمه که بر ریاست الهی مبتنی است می‌باشد.

Archive of SID

منابع و مأخذ

- **قرآن کریم**
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۳ الف)، **الاشارات و التنبيهات**، قم، نشر البلاغه، چاپ اول
- _____ (۱۳۲۶)، **تسع رسائل فی الحکمه و الطبيعيات**، قاهره، دارالعرب، چاپ دوم.
- _____ (۱۳۸۳ ب)، **دانش نامه علایی (منطق)**، مقدمه و حواشی و تصحیح دکتر محمد معین و سید محمد مشکوه، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، چاپ دوم.
- _____ (۱۳۸۹)، **رساله اقسام الحکمه**، تحلیل و تحقیق و تصحیح از محسن کدیور، جاویدان خرد، سال ششم، شماره دوم، دوره جدید، بهار
- _____ (۱۴۰۴ هـ الف)، **الشفاء (طبیعیات)**، تحقیق سعید زائد، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی
- _____ (۱۴۰۴ هـ ب)، **الشفاء (المنطق)**، تحقیق سعید زائد، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی
- _____ (۱۴۰۴ هـ ج)، **الشفاء (الهیات)**، تحقیق سعید زائد، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی
- _____ (۱۹۷۸)، **کتاب الانصاف**، نقل در ارسطو عندالعرب، عبدالرحمن بدوی، کویت، وكالة المطبوعات، چاپ دوم
- _____ (۱۹۵۰)، **کتاب المجموع او الحکمه العروضية فی معانی کتاب ریطوريقا**، تحقیق و شرح دکتر محمدسلیم سالم، قاهره، مکتبه النهضه المصریه
- _____ (۱۳۶۳)، **المبدأ و المعاد**، به اهتمام عبدالله نورانی، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی
- _____ **مختصر الاوسط**، کتابخانه ایاصوفیه استانبول، شماره دستنویس ۴۸۲۹
- _____ (۱۳۵۲ هـ)، **معراج نامه**، به اهتمام بهمن کریمی، رشت، بی نا
- _____ (۳۸۸ الف)، **مفاتیح الخزان،** در تصحیح و تحلیل هشت رساله منطقی ابن سینا، زینب برخوردار، پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات
- _____ (۱۳۸۸ ب)، **المنطق الموجز**، در تصحیح و تحلیل هشت رساله منطقی ابن سینا،

- زینب برخوردار، پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات
- _____ **الموجزه فی المنطق**، کتابخانه دانشگاه استانبول، شماره دستنویس ۴۷۵۵/۳
- _____ (۱۴۰۵هـ)، **منطق المشرقیین**، چاپ دوم، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی
- _____ (۱۴۰۰هـ) **النجاه و عیون الحکمه**، تصحیح عبدالرحمن بدوی، قم، انتشارات بیدار
- _____ (۱۹۷۴)، **الهدایه**، تحقیق و تقدیم محمد عبده، قاهره، ملتزم الطبع و النشر مکتبه القاهره الحدیثه، چاپ دوم
- دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۶۷)، **اندیشه کشورداری نزد فارابی**، فرهنگ، شماره ۳ و ۲، بهار و پائیز
- دآوری اردکانی، رضا (۱۳۶۶)، **بختی در آثار سیاسی فارابی**، معارف اسلامی (سازمان اوقاف)، شماره ۴، آبان
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷هـ)، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، بیروت، نشر دار الکتاب العربی، چاپ سوم
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم
- فارابی، ابی نصر محمد بن محمد بن طرخان (۱۴۱۳هـ)، **الاعمال الفلسفیه**، مقدمه و تحقیق و تعلیق از دکتر جعفر آل یاسین، بیروت، دارالمناهل، چاپ نخست
- _____ (۱۹۹۶)، **احصاء العلوم**، مقدمه و شرح دکتر علی ملحم، بیروت، مکتبه الهلال، چاپ اول
- _____ (۱۴۰۸هـ)، **المنطقیات**، تحقیق و مقدمه محمدتقی دانش پژوه، قم، مکتبه آیت الله المرعشی، چاپ نخست
- _____ (۱۹۹۵م)، **آراء اهل المدینه الفاضله و مضاداتها**، مقدمه و شرح و تعلیق دکتر علی بوملحم، بیروت، مکتبه الهلال، چاپ نخست
- _____ (۱۹۹۶م)، **السیاسه المدنیه**، مقدمه و شرح علی بوملحم، بیروت، مکتبه الهلال، چاپ نخست
- _____ (۱۴۰۵هـ)، **فصول منتزعه**، تحقیق و تصحیح و تعلیق فوزی نجار، تهران، مکتبه الزهرا(س)، چاپ دوم

- _____ (۱۹۹۱م)، *کتاب المله و نصوص اخری*، مقدمه و تحقیق و تعلیق محسن مهدی، بیروت، دارالمشرق، چاپ سوم
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۷)، *روشن‌شناسی مطالعات دینی*، مشهد، نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ سوم

Archive of SID